

آیا نام مؤلف مقامات حمیدی عمر بود یا محمود؟

بک استفتاء درباره نام مؤلف مقامات حمیدی

پوهاند عبدالحی حبیبی - کابل

قاضی حمیدالدین بلخی نویسنده مقامات حمیدی، در تاریخ ادبیات فارسی شخصیت معروفیست که درمبحث نثر فنی حتماً از او و کتابش نام برده میشود.

تاکنون نام این نویسنده بارع را در تواریخ ادبیات، عموماً «عمر» نوشته‌اند. ولی مرا اندرین مطلب سخنهست و چنین بنظر می‌آید که در نام و نسب قاضی حمیدالدین بلخی در کتب تاریخ ادبیات و تذکره‌ها سهوی روی داده باشد.

از فضایل بلخ که صفی‌الدین ابوبکر عبدالله بن عمر بن محمد بن داود واعظ بلخی در رمضان سنه ۶۱۰ هـ در بلخ املا و تحریر کرده و در ذیقعد ۶۶۶ هـ در قصبه کنشکران بلخ کتابت و ترجمه شده بود (۱) پدید می‌آید: که خانواده محمودیان طالقانی در بلخ منصب قاضی القضاة و مسند علمی داشتند، و از آنجمله قاضی القضاة حسین محمودی، مدتی در بلخ قاضی و حاکم عدل و بعلم و دیانت و زهد مشهور بود، و خاندان ایشان ملوک الکلام بودند.

این قاضی حسین محمودی دو برادر داشت: یکی حسن، و دیگر قاضی القضاة بهاء‌الملة والدین عمر (۲) که در سنه ۵۳۶ هـ در بلخ قاضی بود، و مراو را پسر عالم فاضل کامل حمیدالدین محمود بوده که در اقالیم عالم در کلام شهرتی تمام داشته است، و کتاب مقامات و کتاب روضة الرضا و رسایل متفرقة او دلیست بر فصاحت و بلاغت وی. (۳)

مؤلف فضایل بلخ در شرح حال قاضی حسین محمودی گوید: که قاضی القضاة حسین در سنه ۵۰۶ هـ وفات یافته و برادر نو بهار در حظیره محمودی دفن شد (۴). و قراریکه محمد صالح ورسجی در مزارات بلخ مینویسد: برادر کلان قاضی حسن و میانه حسین و خوردنر قاضی عمر بود (۵) در حالیکه در فضایل بلخ اکبرایشان حسین است باز حسن آنگاه عمر. (۶) و ورسجی در مزارات بلخ تاریخ وفات هر دو برادر حسن و حسین را ۵۰۶ هـ نوشته‌است. از تصریح مؤلفان فضایل بلخ برمی‌آید که گورستان خاصی بنام «حظیره محمودی» بر

- ۱- مقدمه فضایل بلخ خطی ص ۱۱ ۲- درباره این شخص مؤلف فضایل بلخ مینگارند: سیدزاده ابوالقاسم سمرقندی (یکی از نویسندگان تواریخ بلخ متوفاه ۵۵۶ هـ) میفرماید: که من بهاء‌الدین عمر القاضی را در یافتیم بعد از آنکه پیر گشته بود. با آنکه اهل بلخ را فصحاء العجم گفتندی. او بزرگ رحمة الله افصح النصحاء البلخ بود و فصحاء و بلغاء بلخ ازین خاندان ایشان بودند. (نسخه خطی لنین گراد ورق ۳۰۴)
- ۳- فضایل بلخ خطی شیخ شصتم ذکر حسین محمودی ورق ۳۰۳ نسخه خطی لنین گراد ۴- فضایل بلخ ورق ۳۰۴ خطی
- ۵- مزارات بلخ خطی ص ۸۷ ۶- فضایل بلخ ورق ۳۰۳ خطی

دروازه نوبهار بلخ (بقول ورسجی : بیرون دروازه نوبهار) مخصوص این خاندان فضل و دانش و فصاحت و بلاغت بود .

از روی این سند میدانیم که در نزد مردم معاصر در بلخ ، قاضی حمید الدین صاحب مقامات ، محمود نام داشته که پدرش عمر باشد .

اکنون می بینیم که معلومات مادرباره این خاندان علم از روی منابع دیگر یکجامیرسد ؟ ابن اثیر (۵۵۵-۶۳۰ هـ) می نویسد : که خاندان محمودی دودمان معروف اهل و فضل و دانش در مرو بود ، که اصلاً طالقانی بودند و از این دودمان دانش ابوسعید عمر (۴۵۷-۵۴۶ هـ) بن علی بن حسین بن احمد بن محمد بن ابوزر (۱) محمودی طالقانی در بلخ قاضی و بقول سمعانی مرد کثیر العباده بود ، که سمعانی ازو در بلخ حدیث شنید . (۲)

شیخ عبدالقادر بن محمد مصری (۶۹۶-۷۷۵ م) که بعد از ابن اثیر میزیسته عین مطالب فوق را بحواله سمعانی نوشته و گوید : که عمر پدر قاضی حمید است (۳) . و همو جای دیگر مینویسد : که قاضی حمید پسر ابوسعید عمر بن علی بن حسین طالقانی محمودی قاضی بلخ باشد . (۴) و محمودی نسبت است به جدایشان که خاندان وی علمای فاضل بوده اند . (۵) و از این برمی آید که از همین خاندان یکنفر قاضی حمید دیگری هم از نسل حسین در حدود ۶۰۰ هـ زندگی داشته است .

درباره اوقات زندگی ابوسعید عمر بن علی در لسان العیزان ابن حجر عسقلانی متوفی ۸۵۲ هـ از سمعانی چنین نقل میشود : که وی از قول عمر بن علی محمودی گوید : که او بر جنازه ابوعلی حسن قاضی القضاة و خشی حضور داشت (۶) . چون این محدث و عالم و خشی در بلخ در ماه ربیع الاخر ۴۷۱ هـ از جهان رفته (۷) پس ظاهر است که در همین سال ابوسعید عمر محمودی بمر ۱۴ سالگی در بلخ بوده است .

از یکنفر دیگر دودمان محمودی که محمد بن حمید الدین محمود (۹) بن عمر بلخی معروف به محمودی باشد نیز خبری داریم که کتاب الملل والنحل را تألیف کرده و در ۷۰۲ هـ از جهان رفته است . (۸)

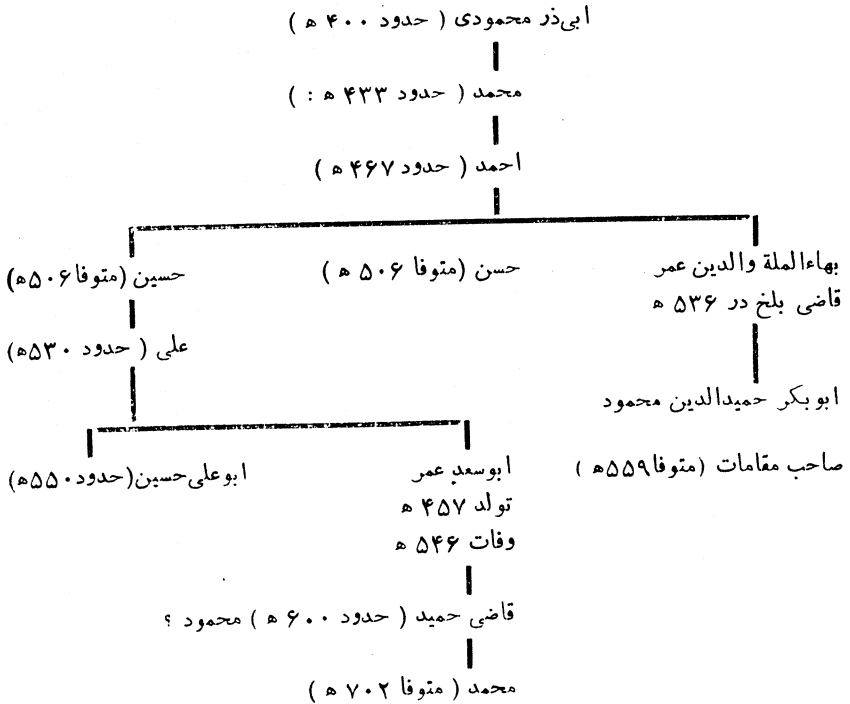
همچنین قاضی ابوعلی حسین بن علی محمودی از همین دودمان است که در حدود ۵۴۰ هـ

۱- این ابوزر محمودی که در انساب سمعانی و ابن اثیر و جواهر مضمیه سرسله این خاندان شمرده شده غالباً همان امام و مفسر حنفی است که در بخارا قاضی و مفتی بود ، و یکی از متبحران علوم و دارای طریقه مرضیه و سیرت نیکو شمرده میشد و صاحب تفسیر و فتاوی است که شهرت او قاضی ابوزر بود ، و ذکر وی در قنیه المنیه تألیف مختار بن محمود زاهدی زاهدی حنفی (متوفی ۶۵۸ هـ) آمده است که تاریخ مفتیان و قضاة باشد . (الجواهر المضمیه ۲/ ۲۵۲) و الفوائد البهیة ص ۷۳)

۲- اللباب ۳/ ۱۰۸ و الجواهر ۲/ ۳۹۳ ۳- الجواهر ۱/ ۳۹۳
۴- الجواهر ۲/ ۳۶۸ ۵- الجواهر ۲/ ۳۴۶ ۶- لسان العیزان ۲/ ۲۴۱
۷- فضایل بلخ ۳۹۹ خطی و لسان ۲/ ۲۴۱ ۸- اسماء المؤلفین ۲/ ۱۴۱

فقیه عراق محمد بن حسین بن احمد نجاکتی (از حدود شاش = تاشکند کنونی) از وحدیث شنیده بود .. (۱)

قراریکه دیده شد : قول مؤلف فضایل بلخ و ابن اثیر و عبدالقادر مصری و ورسجی در وجود خاندان محمودی در بلخ و اینکه اصلا طالقانی بودند یکسانست . ولی ابن اثیر و عبدالقادر شجره نسب خاندان راهم با اخلاف حسین داده است که با تزئید معلومات فضایل بلخ ولسان المیزان و مزارات بلخ بشرح ذیل باشد :



مؤلف ملل و نحل

درباره نام قاضی حمیدالدین (مؤلف مقامات) غالباً سهو اول از محمد عوفی سرزده که بعد از و دیگران تقلید کرده اند . وی نام اورا عمر بن محمود المحمودی بلخی نوشته ۲ ولی حاجی خلیفه گوید : که مقامات حمیدی را قاضی حمیدالدین ابو بکر بن عمر بن محمود (۲) بلخی در ۵۵۱ هـ ختم کرده است ۳

مرحوم سعید نفیسی این نام را حمیدالدین ابو بکر بن عمر بن محمود بن محمودی

۱- الجواهر ۴۰۲ ۲- لباب الالباب طبع سعید نفیسی ۱۶۸ ۳- کشف

ممدوح انوری ضبط کرده ۱ و معلوم نیست که این نسب نامه را از کجا یافته است ؟
 در تعلیقات چهار مقاله که علامه محقق محمد قزوینی نوشته است بار اول ترددی در
 نام و نسب قاضی حمیدالدین اظهار شده و گوید : « عمر اسم پدر و ابوبکر کنیه او بوده ، و
 حاجی خلیفه هم فقط به کنیه او اکتفا کرده است و گویا حق با حاجی خلیفه باشد ۲۰ »
 با وجود این تردد عالمانه مرحوم قزوینی دیده میشود ، که نویسندگان ما بعد درین باره
 تحقیقی نکرده اند . مثلاً در تاریخ ادبیات دکتر صفا (۹۵۷۲۲) حمیدالدین عمر بن محمود بلخی ،
 و در سبک شناسی مرحوم بهار (۳۲۹۲) حمید المله والدین عمر بن محمود المجدودی بلخی
 و در مجمع الفصحاء طبع مظاہر صفا (۵۷۳۱) حمیدالدین عمر بن محمود و در راهنمای
 ادبیات فارسی (ص ۳۶۶) قاضی حمیدالدین عمر بن محمود بلخی چاپ شده است .
 انوری شاعر معروف خراسانی را در مدح قاضی حمیدالدین اشعار فراوان است که
 او را بصراحت از خانواده همین محمودیان مذکور در فضایل بلخ واللباب ابن اثیر دانسته
 و هم با ایمای لطیفی نام او را محمود و با صراحتی لقب او را حمیدالدین گفته است
 درین شعر :

هر سخن کان نیست قرآن یا حدیث مصطفی
 از مقامات حمیدالدین شد اکنون ترهات

شاد باش ای عنصر محمودیان را روح ، تو
 رو که تو محمود عصری ما بتان سومنات ۳

اگر چه شاعر نام محمود را با بتان سومنات متلازم آورده ، ولی او را محمود عصر
 خویش گوید ، و ازین هم قول صاحب فضایل بلخ که نام او را محمود نوشته تأیید میشود که
 يك سند معاصر قویست .
 اگر چه عرضی سمرقندی در چهار مقاله و سعد وراوینی در دیباچه مرزبان نامه از
 مقامات حمیدی نام برده اند ، ولی تفصیلی از نام مؤلف آن نداده اند ، و ابن اثیر هم در
 واقعه وفات حمیدالدین (وقایع ۵۵۹ هـ) فقط او را قاضی ابوبکر المجدودی نامیده است
 و مینویسد :

د سنه ۵۵۹ هـ : توفی القاضی ابوبکر المجدودی صاحب التصانیف والاشعار وله مقامات
 بالفارسیة علی نمط مقامات الحریری بالعربیة ۴۰
 درینکه برخی مؤلفان سابق ، نیز قول عوفی را نه پذیرفته اند ، از روی ضبط حاجی خلیفه
 و اسماعیل پاشا در اسماء المؤلفین (۲۳۴۱) که ابوبکر بن عمر بن محمود (؟) البلخی
 حمیدالدین المجدودی نوشته اند ظاهر است .

چون عوفی از بلخ دور افتاده بود ، بنا بر این قول او درین مورد نسبت بروایت مقامی
 خود بلخ ضعیف تر باشد و بنا برین است که هرمان اته نیز با کمال احتیاط اسم او را حمیدالدین

۱ - دیباچه دیوان انوری ۴۰ - ۲ - تعلیقات چهار مقاله ۲۳ - ۳ - دیوان
 انوری طبع سعید نفیسی ۳۳۵ - ۴ - الکامل ابن اثیر ۱۱/۲۲۸/۱۴۱

ابو بکر بلخی میبرد ۱ و از قول عوفی اعراض نماید .
 پس با در نظر گرفتن روایات سابق، باید نام مؤلف مقامات حمیدی را **ابو بکر محمود**
 ملقب به **حمیدالدین** محمودی بلخی بن عمر بن احمد بن محمد بن ابوزر محمودی دانست
 و من نظر متملمانۀ خود را درین باره بقید احتیاط بمحضر شریف دانشمندان و اساتید تقدیم
 داشتم والله اعلم بحقایق الامور . و اگر درین مورد نظری و تحقیقی صائب تر و مقارنتر به حقیقت
 باشد که قول عوفی را تایید نماید شنیدنیست .

تمناست اساتید محقق بوسیله مجله شریف یغما بدین طالب علم ابلاغ فرمایند .
 چون درین روزها کتاب فضایل بلخ از روی سه نسخه خطی برای طبع آماده و تعلیق
 و تحشیه و تحقیق میشود ، و این مطالب را در حواشی آن تعلیق کرده ام ، اگر تحقیقی مزید
 و شافی و کافی دیگری نشر گردد، آنرا با حفظ امانت ادبی ، بنام خود آن محقق گرامی در
 تعلیقات کتاب جای خواهم داد .
مجله یغما : موضوعی است بسیار جالب . از محققان توقع اظهار نظر دارد .

۱- تاریخ ادبیات فارسی ۴۵

رمضان

رمضان است بیا تا قدحی نوش کنیم
 زهد و طامات باصحاب ریا بگذاریم
 گوش بر گفته بیهوده زاهد جهل است
 سوختمیم از غم هجران قدحی ده ساقی
 بیشتر زانکه فند از سر ما جوش مدام
 نبود در شمر عمر شبی گر تا صبح
 سر نهادیم بفرمان تو در روز الست
 طعنه بر ما مزن ایشخ که ما دردکشان
 دوش یکتا بحر یغان ز سر مستی گفت
 بعی ناب غم روزه فراموش کنیم
 سخن پیر خرابات در گوش کنیم
 زانکه ما دعوی عقل و خرد وهوش کنیم
 مگر این آتش افروخته خاموش کنیم
 کار خود ساخته از آن خم سر جوش کنیم
 یار را جام بکف دست در آغوش کنیم
 ما نه آنیم که این عهد فراموش کنیم
 تکیه بر عفو خداوند خطا پوش کنیم
 رمضان است بیا تا قدحی نوش کنیم

مجید اوحدی - یکتا